

توسعه گردشگری یا توسعه فرهنگ گردشگری

تلاش برای دست یابی به توسعه پایدار در تمامی زمینه‌های توسعه، جانمایه زایش ادبیات گردشگری پایدار به ویژه بعد از برگزاری اجلاس زمین در سال ۱۹۹۲ در ریودوژانیرو است که دولت‌ها را به جهت گیری به سوی توسعه‌ای تشویق نمود که حداقل خسارت و زیان را بر محیط زیست وارد سازد. جمع بندی توافقات ملل، دستور کار ۲۱ (برنامه‌های مربوط به قرن بیست و یکم) را به وجود آورد. این دستورکار در واقع شامل مجموعه‌ای از طرح‌های عملی مفصل بود که هر کشور در راه رسیدن به توسعه پایدار ارایه نمود و بر مبنای همین دستورکار ۲۱ بود که از سوی سازمان‌های بین‌المللی گردشگری در سطح جهان «دستور کار ۲۱ برای گردشگری» منتشر شد که در آن به رسمیت شناختن نقش گردشگری را در فرآیند توسعه مناسب گوشزد می‌کرد و ضرورت طرح عملی برای سازمان‌های گردشگری را در راستای به فعلیت درآوردن اصول گردشگری پایدار را تاکید می‌نمود. به دنبال این روند اولین کنفرانس جهانی گردشگری پایدار در سال ۱۹۹۵ در مادرید برگزار شد. برخی از نکات مطرح شده در این کنفرانس پیرامون گردشگری پایدار عبارت بودند از:

* توسعه گردشگری باید بر اساس معیارهای پایداری باشد بدین معنا که مسایل اکولوژیکی در بلندمدت، مسایل اقتصادی و تعهدات لازم نسبت به جنبه‌های اجتماعی و اخلاقی باید رعایت شود.

* ماهیت پایداری گردشگری مستلزم پایداری محیط‌های طبیعی، فرهنگی و انسانی است.

* گردشگری باید جنبه‌های فرهنگی، ارزشی و عناصر سنتی جوامع محلی را مدنظر داشته باشد.

به طور کلی این تلاش‌ها نشان از آن دارد که گردشگری بتواند در پردازش توسعه پایدار، راه‌کاری عملی را شکل دهد. از این رو هدف اصلی در بسط معنایی گردشگری پایدار پیرامون ارایه روش‌های منطقی در بهره‌گیری از منابع طبیعی و انسانی و ممانعت از به کارگیری غیرعلمی این منابع می‌باشد.

توسعه پایدار گردشگری دارای دو جنبه حفاظت از محیط زیست و منابع و میراث فرهنگی جوامع است. از این رو گردشگری پایدار باید با سیاست مشخص و مدونی به اجرا درآید تا بتواند حرکت امیدبخشی را در توسعه همه جانبه فضاهای جغرافیایی تضمین کند.

گردشگری پایدار برای کارایی بالاتر در این زمینه دارای اصولی می‌باشد که هماهنگ کننده اهداف و راه‌کارهای عملی است.

اصول گردشگری پایدار را می‌توان به شرح زیر بیان نمود:

۱. استفاده از ماهیت پایدار منابع: حفظ و استفاده از منابع (طبیعی، اجتماعی و فرهنگی) بسیار حایز اهمیت است و به معنای تجارت درازمدت می‌باشد.

۲. کاهش بیش از حد مصرف و اتلاف: که جلوی هزینه‌های بازسازی و زیان‌های درازمدت را گرفته و به کیفیت گردشگری کمک می‌کند.

۳. حفظ تنوع: حفظ و ارتقای تنوع طبیعی، اجتماعی و فرهنگی برای پایداری درازمدت گردشگری اهمیت ویژه دارد و پایگاه انعطاف پذیری را برای گردشگری به وجود می‌آورد.

۴. برنامه ریزی: بسط و توسعه گردشگری که باید وارد یک چارچوب برنامه ریزی راهبردی محلی و ملی شده و تاثیرات محیط زیست را مدنظر قرار می‌دهد، پایایی درازمدت گردشگری را افزایش می‌دهد.

۵. حمایت از نظام اقتصاد محلی: گردشگری که تعداد زیادی از فعالیت‌های اقتصادی محلی را مورد حمایت و تحت پوشش خود قرار می‌دهد و ارزش‌ها و هزینه‌های محیط زیست را مدنظر قرار می‌دهد، علاوه بر حمایت از این نظام‌های اقتصادی انهدام محیط زیست ممانعت می‌کند.

۶. مشارکت اجتماع‌های محلی: مشارکت کلی اجتماع‌های محلی در بخش گردشگری نه تنها به نفع خود آنها و محیط است بلکه نوع تجربه گردشگری را بهبود می‌بخشد.

۷. مشاوره با افراد ذی نفع و عامه مردم: مشاوره بین صنعت گردشگری و اجتماع ها، سازمان ها و نهادهای محلی مهم است مشروط بر آن که هماهنگ در کنار هم کار کنند و اختلافات منافع را کنار بگذارند.

۸. آموزش خدومه: آموزش دست اندرکاران که گردشگری پایدار را وارد روش های اشتغال می کند و در کنار آن استخدام افراد محلی در تمامی مقاطع، سبب بهبود کیفیت گردشگری می شود.

۹. مسئولیت بازاریابی صنعت گردشگری: از آن جا که بازاریابی، اطلاعات کاملی را در اختیار گردشگران قرار می دهد، نه تنها سبب افزایش احترام نسبت به محیط فرهنگی، اجتماعی و طبیعی نواحی دیدنی می شود، بلکه رضایت مشتری را نیز افزایش می دهد.

۱۰. انجام تحقیق: پژوهش در حال پیشرفت و نظارت بر آن از طریق استفاده از تجزیه و تحلیل و جمع آوری موثر اطلاعات نه تنها ما را در حل و فصل مشکلات گردشگری یاری می کند بلکه مزایایی را برای مقاصد، صنعت گردشگری و مشتریان دربر خواهد داشت.

به هر حال این نکته را نباید از نظر دور داشت که بین گردشگری در طبیعت و اکوتوریسم تمایزی وجود دارد. طبق تعریف اکوتوریسم در لغت به معنای بوم گردی و طبیعت گردی است. توریسمی است بر مبنای طبیعت و آن شامل درک محیط طبیعی و باعث تامین پایداری اکولوژیکی می شود. اکوتوریسم عبارت است از سفری مسئولانه به مناطق طبیعی که از آنها محافظت می شود و باعث ارتقاء امکانات مردم بومی می گردد. نوعی از توریسم که به مسافرت در مناطق دست نخورده به منظور تحسین، مطالعه و لذت بردن از مناظر گیاهان و جانوران وحشی آن در کنار کیفیت فرهنگی موجود در آن مربوط می شود.

باور بر این است که فعالیت های گردشگری در صورت رعایت شش اصل زیر مصداق اکوتوریسم را دارا می باشند.

۱- التزام به فعالیت هایی که کمترین پیامد منفی زیست محیطی را داشته باشد.

۲- زمینه سازی برای افزایش آگاهی و درک طبیعت و ویژگی های فرهنگی که باعث می شود بازدیدکنندگان نسبت به حفظ عناصر طبیعی، خصوصیات فرهنگی احساس مسئولیت بیشتری نمایند.

۳- مشارکت در حفظ و مدیریت مناطقی که به طور قانونی مورد حفاظت قرار می گیرند و هم چنین سایر نواحی طبیعی.

۴- تقویت مشارکت جوامع محلی در فرآیند تصمیم گیری مربوط به تعیین نوع و میزان فعالیت های گردشگری.

۵- ایجاد منابع مستقیم اقتصادی و هم چنین درآمدهای مکمل برای جوامع محلی.

۶- آموزش جوامع محلی نسبت به ارزش های طبیعی محیط زندگی آن ها.

با این تفاسیر تنها نمی توان سفر به طبیعت را بدون در نظر گرفتن ویژگی های آن، اکوتوریسم نامید در حالی که می توان این گونه سفرها را در چارچوب گردشگری در طبیعت به حساب آورد.

علاوه بر آن از نظر تعاریف نیز هیچ گاه گردشگری در طبیعت تنها معادل اکوتوریسم نیست وجه تمایز این دو را می باید در بین انگیزه های آن دو جستجو کرد. گردشگری در طبیعت یا طبیعت گردی، مسافرت به محیط های طبیعی می تواند در چارچوب انگیزه های متفاوتی باشد که تنها فضای طبیعی را مدنظر داشته و انگیزه مربوطه، هیچ گونه رابطه مستقیم با محیط طبیعی ندارد و حتی گردشگر نسبت

به محیط دارای هیچ حساسیتی نیست. در حالی که اکوتوریسم بنا به تعریف آن توسط موسسه بین المللی اکوتوریسم «یک مسافرت مسئولانه به مناطق طبیعی که محیط زیست را حفظ و زندگی راحت مردم محلی را تثبیت نماید» تعریف شده است. از این رو اکوتوریسم

واجد چهار ویژگی مشخص و بارز می باشد که عبارتند از:

۱. سفر به یک منطقه طبیعی

۲. سفری که حامی حفاظت از تنوع زیستی باشد

۳. سفری که برای جوامع میزبان محلی سودمند باشد.

۴. سفری که به درک و فهم عمیق از طبیعت و محیط زیست رهنمون باشد.

این خود نشان از گرایش اکوتوریسم به سمت حفاظت از طبیعت دارد به بیانی دیگر گونه ای از گردشگری طبیعت گرا را به ذهن متبادر می سازد. از این رو تعداد سفرهایی که بتوان به آن ها عنوان اکوتوریستی داد بسیار محدود می باشد و این با گردشگری در طبیعت که به

عنوان یک الگوی فضایی گردشگری شکل می گیرد و واجد تنها یک ویژگی از ویژگی های اکوتوریسم که همان سفر به مناطق طبیعی است، بسیار متفاوت می باشد. در این میان می توان تفاوت بین گردشگری در طبیعت و اکوتوریسم را با تفاوت بین شهرنشینی و

شهرگرایی مقایسه کرد که اولی نشان از جمعیت شهری دارد و ساکنان شهر را مدنظر قرار می دهد و شهرگرایی، دربرگیرنده مفهوم فرهنگ شهری و برخاسته از مدنیت در فضای شهری می باشد. بر این مبنای گردشگری در طبیعت، تعداد و فضای گردشگری در رابطه با

مناطق طبیعی را در برمی گیرد و اکوتوریسم در برگیرنده مفهومی از فرهنگ گردشگری در حفاظت از محیط زیست است. با توجه به مشخص شدن تمایز مابین گردشگری در طبیعت و اکوتوریسم، می توان گردشگری در طبیعت را این گونه تعریف کرد: «گردشگری در طبیعت یا طبیعت گردی، سفر به مناطق طبیعی در رابطه با بهره برداری گردشگر با انگیزه های متفاوت از مناطق طبیعی بوده که آثار مثبت و منفی را برای آن مناطق در بر دارد». بنابراین تعریف گردشگری در طبیعت یا طبیعت گردی به عنوان یک الگوی فضایی در چند وجه باید مورد توجه قرار گیرد که در وهله اول سفر به مناطق طبیعی است و در وهله دوم بهره گیری از مناطق طبیعی مدنظر می باشد و در آخر تاثیراتی که جریان گردشگری به ویژه متاثر از فرهنگ گردشگری یا طبیعت گردی بر این منابع وارد می سازد.

فرهنگ طبیعت گردی

به هر حال در یک دهه اخیر مضامین گردشگری، گردشگری در طبیعت، اکوتوریسم، طبیعت گردی و چندین مضمون مشابه دیگر در ادبیات مربوط به توسعه کشور به شدت رواج یافته و برای آن نقش و اهمیت ویژه ای منظور گردیده است و انصافاً کارهای مناسب و مطلوبی نیز در این زمینه ضرورت گرفته، یا در دست انجام است، اما این تنها یک روی سکه است، روی دیگر سکه جدا از آن بلاای هولناکی که امروز به سبب سوداگری ارضی، عدم حفاظت از منابع طبیعی، اجرای طرح های ناسازگار با طبیعت، عرصه های مناسب گردشگری را تهدید می کند و شواهد آن را در کلاردشت، میانکاله، مناطق جنگلی و ساحلی و بسیاری دیگر از نقاط به وفور و به وضوح می توان دید، به چگونگی رفتار گردشگران، یا طبیعت یا فرهنگ طبیعت گردی ما برمی گردد. معمولاً وقتی سخن از گردشگری در طبیعت به میان می آید ما به راحتی از پیوندهای عمیق چند هزار ساله مردم با طبیعت یاد می کنیم، از عشق و علاقه آن ها به گل و گیاه، از احترام آن ها به آب و خاک، از آناهیتا که الهه آب است، از درختان مقدس و باورهای ما به تقدس آن ها، از اشتیاق برای رفتن به باغ وراغ، از ردپای طبیعت در آثار و ادبیات مکتوب اعم از نثر و نظم، از سابقه و پیشکسوتی ما در ساخت پردیس ها و باغ های ایرانی، از الهام گرفتن ما از طبیعت در طرح نقش و نگار صنایع دستی یا خلق گل و گیاه بر تاروپود فرش های ایرانی یاد می کنیم و برای همه این ها شواهد و مثال های زیادی نیز داریم اما آیا واقعاً چنین مواردی امروز هم مصداق گذشته را دارد؟

اگر شمال می رویم کافی است نگاهی به ساحل دریا ببیندازیم. آن وقت خواهیم دید جدا از آن هزاران نفری که هر ساله در راه تفریح و تفرج و طبیعت گردی در تصادفات جاده ای جان می بازند یا آن صدها نفری که در یک فصل تابستان به هنگام شنا در دریا غرق می شوند چگونه پر نشاط ترین عرصه های ساحلی با انواع و اقسام زباله و نخاله و اشغال به گند و آلودگی کشیده شده اند. در پارک جنگلی نور یا سی سنگان یا پارک جنگلی میراز کوچک خان آمل گردشگری کنید تا دریابید گردشگران ما با طبیعت چگونه رفتار می کنند به تالاب بین المللی انزلی نظری ببیندازیم تا دریابیم چگونه نیلوفرهای آبی آن به یغما می رود بدون آن که بهره ای از آن برده شود اگر به جنوب می روید سری هم به کوه «گنو» بزنید، جایی که به حق ذخیره گاه کره مسکون لقب گرفته است. بهشتی در کنار شهر بندرعباس که موزه ای زنده از گیاهان و حیات وحش است. عرصه ای که در آن زیتون و آرس را در کنار سمر و کهور و گیاهان گرمسیری می توان دید و کل و بز و جیبیر را در جوار هم یک جا و در روی یک کوه می توان مشاهده نمود، جایی که در هر پیچ جاده آن لطیف تر شدن هوا را می توان حس کرد و در ارتفاعات آن، در شب های تابستانی بندرعباس، بدون رواندازی مناسب، در فضای باز نمی توان خفت. در چنین بهشتی در اطراف کمپ های سیاحتی و اطراق گاه ها و حتی سراسر مسیر، علی الرغم وجود ده ها سطل اشغال می توان تلی از زباله از هر نوع و رقم را دید که بیننده از دیدن آن شرم می کند چه رسد به آن که بخواهد آن را بر روی کاغذ توصیف کند. آیا سزاوار کمی که برای استراحت و آسایش گردشگران ساخته و پرداخته شده است این است که نیمکت های آن شکسته شود. آلاچیق آن ویران گردد. شیشه های سرویس بهداشتی آن خرد شود و در و پنجره آن به یغما برده شود، آیا پاداش خوب بودن، زیبا بودن و لذت بخشیدن، نابودی و مرگ است؟

واقعیت آن است که تشکیلات مسئول، در کنار فعالیت های گسترده ای که برای توسعه گردشگری یا طبیعت گردی می کنند می باید ده ها برابر بیشتر از آن در جهت مدیریت مناطق، جلب مشارکت مردم و توسعه و ارتقاء فرهنگ گردشگری و ترویج آن همت گمارند و گرنه، اگر چنین روندی از بهره برداری از منابع و مواهب طبیعی در جهت طبیعت گردی ادامه یابد نه تنها امیدی به توسعه ای پایدار نباید داشت بلکه آرزوی پایداری و ماندگاری این منابع نیز خیالی بیش نخواهد بود.

بدون تردید در این رهگذر مدیریت های مسئول در تشکیلات منابع طبیعی، محیط زیست و گردشگری راهی سخت و طولانی را پیش رو دارند. به نظر می رسد که در مرحله نخست این راه، جامع نگری، توانمندسازی تشکیلات، تدوین و اجرای مقررات و ترویج و بسط فرهنگ گردشگری، جلب مشارکت مردم و توانمندسازی جوامع محلی از الزامات اجتناب ناپذیر است.